



صد و سی سال حفاری در شوش

کامیار عبدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

۱ - دورنمای هوایی شوش

تا قرن‌ها مسافرانی که از کنار اتنلان باستانی شوش می‌گذشتند حتی تصور آن را به محیطة خود راه نمی‌دادند که این پشته‌های عظیم خاک‌کده که اکنون مأوای ددان شده، روزگاری گهواره تمدنی درخشان و پایتخت پرتشکوه فرمانروایان قلمروندی بوده که فائحه‌ها بر شهرهای بین‌النهرینی می‌تاخته‌اند با قلمرو ایشان از دروازه‌های اروپا تا هند گسترده بوده است. تمامی جهانیان یاد آن روزهای درخشان را به یوتف فراموشی سپرده بودند، الا کلیسایی که نام شوشان و گوشه‌ای

شوش، کهن‌ترین شهر جهان، که حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به عنوان کانون مذهبی ساکنان دشت اطراف بنیاد نهاده شد، پس از پنج هزار سال حیات پرفراز و نشیب و توأم با روزهای پیروزی و شکست، رونق و رکود و آبادانی و ویرانی، با سقوط شاهنشاهی هخامنشی در سال ۳۳۲ ق م به مرور در سراسیمگی افول افتاد و در فزون میانه اسلامی رونق خود را به کل از دست داد و به روستای کوچکی گرداگرد آرامگاه وانیال نیی (ع) بدل شد.

را بر سر آن گذاشته بود، در کتابهای مقدس خود ثبت کرده و به خاطر داشتند. لذا تصادفی نبود که نخستین کسی که

ویرانه‌های شوش را باز شناخت بنجامین بن جناح خاخام کلیسی بود که بین سالهای ۱۱۶۳ و ۱۱۷۳ میلادی برای بررسی وضع کلیسای در ایران به سر می‌برد، وی هنگام زیارت آرامگاه دانیال نبی از انزال باستانی شوش نیز دیدن کرد و آن را همان دوشوشان، مذکور در تورات شناخت. ۱

از این هنگام تا میانهٔ قرن نوزدهم میلادی، که برای نخستین بار کنگک باستان‌شناسی در شوش به زمین خورد، جهانگردان زیادی از این محوطهٔ باستانی دیدن کردند. گروهی تنها به ذکر نام آن در سفرنامه‌هایشان بسنده کردند و شماری دیگر زحمت بررسی و توصیف بیشتری را به خود دادند. بررسی شوش از ابتدای قرن نوزدهم میلادی شدت بیشتری یافت و در دههٔ ۱۸۴۰ میلادی دو مهتر مهم در پیدایش باستان‌شناسی خاور نزدیک یعنی هنری لاپارد و هنری کروزبیک را اولین شوش بازدید کردند. راولینشن پس از بازدید شوش نوشت:

«حفاری در تپهٔ عظیم شوش بسیار جالب توجه خواهد بود، زیرا یک سنگ یادمان هنوز در این تپه بریاست و بر روی آن کتیبهٔ طولانی شاه سوسر (Susa) به چشم می‌خورد. این امر حاکی از وجود الواح متفوقش در آنجاست. در ضمن دلایل زیادی وجود دارد که ما به

۲ - نخستین طرح از شوش به قلم هنری چرچیل که در کتاب لفتوس به چاپ رسیده است.



در آبان ۱۸۸۴، با عمر ۷۰ ساله، از سن ۱۱ ماهگی به انگلستان، راولینش که در آن زمان کنسول بریتانیا در بغداد بود پس از مسکنه با نفوس و نظر خواهی از وی، ۵۰۰ پوند اعتبار برای ادامه کار در شوش در اختیار او نهاد و با کسب مجوز از ناصرالدین شاه و جلب موافقت لرد بالمرش نخست وزیر وقت انگلستان و مساعدتهای خانلر میرزا حاکم خوزستان زمینه برای حضاری بیشتر در شوش هموار شد.^{۱۰}

نفوس در ۱۹ ژانویه ۱۸۸۲ از بغداد به راه افتاد و از اواسط فوریه ۱۸۸۲ با ۷۰ کارگر که بعداً به ۳۵۰ نفر افزایش یافتند و روزانه نیم قران مزد می گرفتند، کار خود را در شوش آغاز کرد و تا اواسط آوریل همان سال ادامه داد. وی در این حفریات از داشتن همکار محروم بود اما گاهی از چرچیل در تهیه نقشه ها و طرح آثار به دست آمده باری می جست. نفوس در آبادات مشغول به کار شد تا پلان بناهای آن را تهیه کند. ضمن این حفریات موفق به کشف سه پایه ستون با کتیبه های پارسی باستان، بلامی و بابلی شد که به اردشیر دوم تعلق داشتند. در جنوب شرقی آبادات نیز به تعدادی آجر لعابدار دست یافت و آنها را به موزه بریتانیا فرستاد.^{۱۱} نفوس در همان قسمت موفق به کشف یک خمره با حدود ۱۷۰ سکه نقره آموی شد که آنها نیز به موزه بریتانیا منتقل شد.^{۱۲} وی سپس کار خود را به «مصطفی بزرگ» (Great Platform)، که امروزه «شهر شاهی» (Ville Royale) خوانده می شود متوجه کرد و در قسمت موسوم به «دونجان» (Donjon) به مقداری آثار معماری هخامنشی برخورد.^{۱۳}

۲- دیالوگ و همسرش ژان



۳- ویلیام کنت نفوس.

نامگذاری تپه های مختلف بنده کردند.^۵ در تابستان همان سال کنتل ویلیامز و دیگر اعضای هیئت تعیین خط مرزی در دزفول به نفوس و چرچیل ملحق شده به علت گرمای هوا به کوه های لرستان عزیمت نموده و از آنجا به بازدید دیگر آثار باستانی چون بیستون و طاق بستان شتافتند.^۶

در ژانویه ۱۸۵۱ کنتل ویلیامز و همراهانش از جمله نفوس به شوش بازگشتند و با کمک وزیر مختار وقت بریتانیا در ایران به نام کنتل شیلیل سبوز حفاری در شوش را از ناصرالدین شاه گرفتند.^۷ با همکاری حسام الدوله حاکم خوزستان و شیخ سعود فرماندار منطقه کارگرانی با یک قران مزد روزانه به کار گمارده شدند. نفوس تحت نظارت کنتل ویلیامز سه ترانشه در تپه اکرویل، که آن را دژ (Citadel) می خوانند، باز کرد و به یک گور خسرهای، مقداری آجر لعابدار (با نام شلهک این شوشینک اول) و یک نگار بزرگ مس دست یافت که به گفته وی این نگار مس به وسیله عربها به سرقت رفت.^۸

مشکل کارگر باعث شد که کنتل ویلیامز کار را به ثبت آثار معماری شهود و کشف دیگر آثار با حداقل حفاری محدود کند. وی کار خود را متوجه تپه آبادات کرد که نفوس آن را «کاخ شوشان» (Shushan the Palace) می خوانند، و با گشودن پنج ترانشه به تعدادی پایه، ساقه و سرستون هخامنشی دست یافت.^۹

هیئت سپس به سر کار اصلی خود یعنی تعیین خط مرزی بازگشت و کار حفاری در شوش یک سال متوقف ماند.

وی در بخش اصلی شهر شاهی هشت ترانه باز کرد و در آنها به تعدادی گور اسلامی، یک پایه ستون با کتیبه یونانی، سکه‌های الماسی، پیکرکهای مرمری، اشیای شیشه‌ای، ظروف سفالی و بویژه در ترانه K در جنوب غربی شهر شاهی به مجموعه‌ای شامل ۲۰۰ مجسمه گلی موسوم به والهه برده، دست یافت.^{۱۴}

لنتوس نیز همچون راولینشن در گزارش خود اطلاع می‌دهد که در شب جنوب غربی اکروپول یک ستون یادمان به چشم می‌خورد که نیمی از آن در خاک فرورفته است؛ اما او آن را به انگلستان منتقل نکرده و اکنون از سرنوشت آن خبری در دست نیست.^{۱۵} در حفاریات بیشتر در گوشه شمالی اکروپول نیز دیواری با آجرهای کبیه‌دار کشف شد که بعدها با ترجمه کبیه‌ها مشخص شد که مربوط به فرمانروایان اهلومی اوتش پیریشا، شوتروک نهوتن اول، کوئیر نهوتن و شبلهک این شوشینک هستند.^{۱۶} لنتوس در آخرین ترانه خود در شمال اکروپول یک لوح سنگی شکسته با کبیه میخی و تعدادی اشیای دیگر یافت.^{۱۷} وی در انتهای گزارش خود به قطعه سنگ مقوشی اشاره می‌کند که در کنار آرامگاه دانیال نبی نزدیک به رودخانه شاور افتاده است.^{۱۸}

در پایان حفاریات، راولینشن به لایاره اطلاع می‌دهد که لنتوس تپه‌های شوش را به هم ریخته ولی چیز زیادی به دست نیاورده است. بنابراین راولینشن و مسترلین موزه بریتانیا به خیال باطل اینکه اتلال شوش از نظر آثار باستانی موزه‌یست به کلی از حیز انتفاع افتاده‌اند کار حفاری در شوش را متوقف کرده و لنتوس را به حفاری در ورگاه و نیواگسیل دانستند.^{۱۹} اما لنتوس که به اهمیت شوش در باستان‌شناسی خاور نزدیک پی برده بود یک سال پیش از مرگ در خاطراتش از حفاری در شوش و جنوب بین‌النهرین نوشت:

چه از نظر جغرافیایی و چه از دیدگاه کتب مقدس یهود، در سرتاسر مشرق زمین کمتر جایی وجود دارد که از شوش مهمتر باشد.^{۲۰}

باین اشاه انگلیسها، کار حفاری در شوش عملاً به چنگ فرانسویان افتاد و زوج رماتییک فرانسوی مارسل و ژان دیولافو در این کار پیشقدم شدند. مارسل دیولافو (۱۸۴۴ تا ۱۹۲۰) یک نظامی،

مهندس و در عین حال متخصص تاریخ معماری بود و به شناخت نقش مشرق زمین در هنر گوتیک اروپا علاقه بسیار داشت. وی به همراه همسرش ژان پیل هاتزیه، که با تصویب لایحه‌ای ویژه در مجلس ملی فرانسه با لباس مردانه و هیت پسران جوان عازم ایران شده بود^{۲۱}، طی سالهای ۸۲-۱۸۸۱ پس از عبور از قفقاز، آذربایجان، عراق عجم، فارس و بوشهر و بازدید از آثار باستانی ایران از راه خلیج فارس به عراق رفتند و از آنجا خود را به شوش رساندند. این دو با آگاهی از نتایج حفاریات لنتوس، از ۱۴ تا ۱۶ ژانویه ۱۸۸۲ وقت خود را صرف بازدید از اتلال باستانی شوش کردند.^{۲۲} پس از بازگشت به فرانسه، مارسل با توجه مسئولین موزه‌های ملی و وزارت فرهنگ فرانسه درباره اهمیت حفاری در شوش، موفق به دریافت چهل و یک هزار فرانک اعتبار شد و با مساعدت دیگر ارگانها امکانات سفر و همراهان لازم را فراهم آورد.^{۲۳} اما در ایران با درخواست حفاری آنان موافقت نشد و لذا مارسل از دکتر تولوزان، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه، کمک خواست. ژان در این باره می‌نویسد:

«مارسل با دکتر تولوزان، دوست و طبیب ناصرالدین شاه روابط دوستانه‌ای داشت. در سفر اول به ایران توصیه‌های او درهای مساجدی را که به روی ما بسته بودند باز کرد، و حتی اغلب اوقات امنیت خود را عهدیون مراقبت‌های او بودیم. این بار نیز به او متوسل شدیم. هنگامی که سفیر ما برای بار دوم با دولت ایران وارد مذاکره شد، دکتر تولوزان مستقیماً به خود شاه مراجعه کرد و او را به کاوشهای باستان‌شناسی که تاریخ درخشان اسلاف کهن او را آشکار می‌کردند علاقه‌مند کرد. به او گفته بود اروپا شاهی را که به کوششهای دنیای علم باری دهد خواهد ستود.»

دولت ایران - مقبره دانیال نبی را از حیطة کاوش مستثنی کرد و تقسیم اشیاء، مکشوفه را خواست، تملک فلزات قیمتی را به خود اختصاص داد و با این شرایط به ما اجازه داد در ویرانه‌های اهلومی به کاوش باستانی بپردازیم.^{۲۴}

هیت از فرانسه به راه افتاد و پس از هفتاد و یک روز در ۲۶ فوریه ۱۸۸۵ به شوش رسید. چند روز اول با مشکلاتی از نظر استقرار و امکانات گذشت و سرانجام در روز اول مارس حفاری در تپه آپادانا با کمتر از نفر کارگر آغاز شد.

در افتخار گشایش کار به من داده می شود. ما همچنان بسیار کانتگ را به دست می گیریم و تا آخرین رمق کار می کنیم. مارسل جای مرا می گیرد و دیگران با بیل خاکها را برمی دارند. ۲۵

مارسل با ادامه کار لنتوس، منتهی از سمت جنوب در بی یاقتن در ورودی کانج بود. حفاریات تا چند روز نتایج مورد نظر را در بر نداشت، تا اینکه در ۲۶ مارس مقداری آجر لعابدار کشف شد. ۲۶ و حفاران را به ادامه کار تشویق کرد. کار تا ۱۳ به ادامه داشت و سپس هیئت به همراه اشیای یافت شده هازم فرانسه شد. ۲۷

مارسل و ژان دیولافوا در ۱۵ دسامبر ۱۸۸۵ باز دیگر به شوش بازگشتند و تا ۸ فوریه کار خود را در تپه آپادانا ادامه دادند. ۲۸ و سرانجام با انتقال مقدار دیگری از آجرهای لعابدار با نقش سرمازان جیواپیدان همایشی ۲۹ به علاوه تعدادی پایه ستون و یک سر ستون از کاخ آپادانا و مقداری اشیای متفرقه به فرانسه به کار خود پایان دادند.

آثاری که مارسل و ژان دیولافوا به فرانسه بردند در سوزة لوور به نمایش درآمد و هیجانانگیز فراوانی را برانگیخت. این امر دولت فرانسه را ترغیب کرد که کار حفاری در شوش را با امکانات و بودجه بیشتری دنبال کند. اما دولت ایران به علت مشکلات امنیتی و اغتشاشاتی که از رهگذر حفاریات فرانسویها در منطقه شوش به وجود آمده بود به دولت فرانسه جواب رد داد و کار آنها حدود ده سال متوقف ماند. ۳۰ در طی این سالها سفارت فرانسه در تهران وضعیت شوش را به ۵- دموورگان. نخستین سرپرست هیأت فرانسوی در شوش.

دقت زیر نظر داشت و در انتظار فرصتی بود تا مذاکرات را از سر بگیرد. ۳۱

سرانجام پس از آمد و رفتهای فراوان در ۱۶ ذیحجه ۱۳۱۲ مطابق ۱۲ به ۱۸۸۵ قرارداد دادی در ۸ بند به شرح زیر بین ایران و فرانسه به امضاء رسید. ۳۲:

در باب امتیاز انحصار انکشاف آثار قدیمه در ممالک محروسه ایران

فصل اول - تعلق به اتحاد قدیم و دوستی خاصی که خوشبختانه از سالیان دراز فرامین دوشین قوی شوکتین ایران و فرانسه موجود است سرسراک بستانکن انصیح حضرت قدر قدرت اقدس همایون شهنشاهی کل ممالک محروسه ایران دام سلطانه ادها می فرمایند به دولت فرانسه امتیاز انحصار انکشاف آثار قدیمه را در تمام خاک ایران.

فصل دوم - از این امتیاز نامه خارج است تمام اماکن مقدسه مشرفه از قبیل مساجد و مقابر و دانشسدها فرانسه که بیاتر اعمال خطر به خواهند بود تمام عادات و رسوم و آداب ممالک را کاملاً محترم و مریض خواهند داشت.

فصل سوم - تمام حفاری امور خطر به به عهده دولت فرانسه خواهند بود دولت علیه ایران به هیچ وجه منقولیوه مشارکتی در خارج نخواهد داشت.

فصل چهارم - در هر موامی که از طرف دولت جمهوری فرانسه به کارفرمان دولت علیه اطلاع داده شود که در فلان نقطه معین بنای حجر و تکلیف دارد دولت علیه بیک نفر مأمور دارای قبلیش معین می نماید که در تسهیل مسیحات ارضه همراهمی و اعتماد کند و اختراعات آنرا به به دانشسدها فرانسه به عمل آورده سرقریبت و موافقت باشد که شرایط مقرر در امتیاز از طرفین مریض و مستحقگو باشد و همین طور چون سفارت فرانسه می خواهد مسئولیت کامل حالت باشد در برابر دولت علیه ایران لذا حفاریات دانشسدها فرانسه

۵- دموورگان. نخستین سرپرست هیأت فرانسوی در شوش. *کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
۶- دو مکتب. جانشین دموورگان در هیأت فرانسوی.
رساله جامع علوم انسانی





۷ - منظره‌ای از نخستین کاوشها در شوش.

اینکه در این سال دولت فرانسه، هیئت علمی فرانسه در ایران را (Délégation Scientifique Française en Perse) را تشکیل داد و یکی از مشهورترین مردان تاریخ باستان‌شناسی ایران را به سرپرستی آن گمارد: ژان ماری ژاک دو موروگان. دو موروگان (۱۸۵۷ تا ۱۹۲۴) بگ مهندس معدن بود.

از کودکی به باستان‌شناسی بویژه بخش پیش از تاریخ آن علاقه داشت. همین امر او را به سیاحت در گوشه و کنار جهان کشاند. طی این سفرها بود که پس از عبور از قفقاز در سالهای ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۱ متعلق شمالی ایران را درنوردید و به شوش رسید.

اتفاق عظیم شوش بلافاصله او را مجذوب خود کرد، اما به علت رکود حفاریات در شوش دو موروگان برای شرکت در حفاریات باستان‌شناسی به مصر رفت و به مدیریت اداره عتیقات مصر رسید. حفاریات دو موروگان در مصر بویژه حفاری آرامگاه خور - غنغ نخستین فرعون سلسله اول مصر در نقاده و آرامگاههای دحشور حاکی از دقت او در کشف و ثبت آثار بود. ۳۳ وی طی اقامت در مصر علاوه بر کارهای باستان‌شناسی در سیاست نیز دست داشت و لذا با شهرتی که

بگ تفر از اجزای سفارت فرانسه را مأمور خواهند نمود تا در نقاطی که مشغول اکتشاف می‌باشند حاضر باشند و از هر چیز غیر مرتبط لامل به عمل نیاید.

فصل پنجم - حکومت فرانسه و عهد می‌دهد که نگارنده مأمورین او هیچ طبع حاشی از حکومتی غیر را طبع و انتشار ننماید بدون اینکه آن طبع و انتشار از طرفین دولتی فرانسه و ایران مأمورین و مأمور باشد فصل ششم - انبساط نفیسه از قبیل سلا و نوره اگر بیجا نبود ملک مخصوصی دولت علیه ایران خواهد بود ولی چون مأمورین فرانسه در اکتشاف آن زحمت کشیدند اگر بخواهند خسارتی نمایند دولت ایران نصف آن را به قیمت عادلانه خواهد پرداخت و نصف دیگر را هم در صورتی که دولت علیه ایران خواستد باشد ببلوئند دولت فرانسه بدهد خواهد بود.

فصل هفتم - از حفاری و مجسمه و خطوط هر چه به‌دست آید می‌تواند کشف و قلاب آن را بردارد و آنچه پیدا شود نصف آن مال دولت فرانسه خواهد بود.

فصل هشتم - در برابر این امتیازات مخصوص مملکتی که دولت قوی شوکت و امپراطوریت همایون شاهنشاهی دام سلطنت به خواهش دولت فرانسه نمودند، دولت فرانسه مبلغ ۵۰ هزار تومان خطبوع مبارک بندگان امپراطوریت اقدس معارف تقدیم خواهند نمود. فر کهران دو نصد نوشته و عیانه شد تاریخ ۱۶ به‌شماره ۱۳۱۲ مطابق ۱۴ ماه مه ۱۸۹۵ میلادی.

اما این قرارداد تقریباً دو سال یعنی تا ۱۸۹۷ مسکوت ماند. تا

مناطق زمین‌شناسی، اقلیم‌شناسی، جغرافیا، گیاه‌شناسی و جانورشناسی نیز عنایت داشت باشد و اشیا و آثار معماری به دست آمده را با توجه به آنها بسنجد.^{۲۶} بنابراین وی قصد داشت علاوه بر حفاری در شوش تمامی گستره ایران را از نظر جغرافیایی و زمین‌شناختی بررسی کند. اما کمبود هزینه، به علاوه یانته‌های چشمگیر در شوش تحقیقات جنسی او را تا حد زیادی محدود کرد.

دومورگان پس از بررسی‌های زمین‌شناختی در شوش و مطالعه آثار آن که در نخستین مجلد خاطرات هیئت فرانسوی در پاریس (ایران)^{۲۷} منتشر شده است و نامگذاری تپه‌های شوش مدت کوتاهی در شهر شاهی حفاری کرد. اما به علت دست نیافتن به آثار مورد نظر خود حفاریات را متوجه تپه اکروپول کرد که از نظر او غنی‌ترین و قدیمیترین آثار را در خود داشت و می‌توانست به شناخت منشأ مورد علاقه او یعنی «خاستگاه تمدن کهنه» کمک کند. اکروپول در آن زمان تپه عظیمی بود به ارتفاع تقریبی ۳۵ متر و لذا دومورگان برای حفاری تمام آن روش جدیدی را ابداع کرد که مشابه روش استخراج معدن بود. وی ابتدا پنج تونل در جبهه جنوب‌شرقی تپه حفر

کند که عمده بود به دنبال تشکیل هیئت علمی فرانس در سال ۱۸۹۷ به ایران عزیمت کرد و به سرپرستی آن منصوب شد. دومورگان که اینک امکانات و بودجه‌های بیش از تمامی هیئتهای باستان‌شناسی در سراسر جهان را در اختیار داشت برای حفاری بلندمدت در شوش برنامه‌ریزی کرد. بنابراین در زمستان ۸-۱۸۹۷ پس از گمانه‌زنی در شمال تپه اکروپول، با همکاری ژیکه و با استفاده از مصالح باستانی پراکنده در سطح محوطه کار احداث قلعه محل استقرار هیئت فرانسوی را به شکل یکمی از قلاع قرون وسطای اروپا آغاز کرد.^{۲۸} همکاران اولیه دومورگان همان کسانی بودند که سابقاً با وی در مصر کار کرده بودند: گوستاو ژیکه (مصرشناس) و ژوزف لاسیر (معاون هیئت). در ۱۸۹۸ نیز زبان‌شناس برجسته، ولسان شیل (۱۸۵۸ تا ۱۹۴۰) به هیئت ملحق شد.^{۲۹}

دومورگان عقاید بدیعی درباره باستان‌شناسی داشت و معتقد بود که یک هیئت باستان‌شناسی نباید خود را به بررسی آثار حاصل دست انسان محدود کند و به باستان‌شناسان توصیه می‌کرد که علاوه بر مطالعه پیشینه انسان محیط زیست او را نیز مطالعه کنند. به نظر او یک پروژه جامع باستان‌شناسی باید به

۸- تپه آپادانا - قلعه شوش در پشت صحنه به چشم می‌خورد. وقت ۱۹۳۰ میلادی





۹ - پیدایی لوح قانون نامه حمورابی در شوش.

۱ - با پنهانی سالم برخورد نمی‌کنیم که ملزم به حفظ آنها باشیم. ویرانه‌های بدون شکلی هستند - و اینجا و آنجا آشیایی یافت می‌شوند که به کار بستن روش واحدی را برای کاوش غیر ممکن می‌سازند. به همین دلیل ضمن حفاری به طبقات طبیعی و محدودتهای آنها که غیرقابل تشخیص است توجهی نمی‌کنیم. زیرا حتی تلاش برای شناسایی آنها کاری بیهوده است.^{۴۰}

حفاری در اکروپل شوش بسیار پر بار بود و در همان یکی دو سال اول آثار مهمی چون فتح نامه نرام سین، چینه کودورو و مقدار زیادی آجر کتیبه دار به دست آمد. همین امر فرانسویان را وسوسه کرد که قرارداد معتدله بین خود و دولت ایران را به نفع خویش تغییر دهند. بنابر این در ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۱۸ قمری مطابق ۱۱ اوت ۱۹۰۰ قراردادی در پازده بند تنظیم شد که به قرارداد مظفرالدین شاه، یا واگذاری امتیاز انحصار کاوش در تمام ایران، موسوم است و بر طبق آن، مظفرالدین شاه امتیاز انحصاری حفاریات باستان‌شناختی در سرتاسر ایران را به مدت ۶۰ سال به فرانسویان واگذار کرد.

مفاد این قرارداد به شرح زیر است: ^{۴۱}

فصل اول - مأمورین محترم فرانسه در تمام وسعت مملکت

کرد تا به یکدگانه‌نگاری نسیبی برای شوش برسد ^{۳۸}. سپس با رسم یک محور فرضی بر روی تپه که از شمال - شمال غربی به جنوب - جنوب شرقی امتداد می‌یافت کار حفاری در ۱ گود بزرگ، (Grande Tranchée) را آغاز کرد. وی در گوشه سمت راست محور پیش گفته دو گود به عرض ۵ متر و طول ۹۰ متر باز کرد و طول آنها را تا ۱۸۰ متر امتداد داد و از سوی دیگر ارتفاع حدوداً ۳۵ متری تپه را به هفت طبقه ۵ متری تقسیم کرد و با ادامه حفاری به این روش در مجموع پنج گود به پهنای ۲۵ متر حفر کرد که دو تپای کناری ۵ متر و سه تپای میانی ۱۰ متر عمق داشتند. سطح محوطه نیز ریل‌گذاری شد تا امکان خاکهای حاصل از حفاری به وسیله واگن به بیرون محوطه منتقل شوند.

طبعاً در این روش حفاری که تقلیل هزینه به حدود دو فرانک برای تخلیه هر متر مکعب خاک را مدنظر داشت نمی‌توان انتظار دیگری بجز یافتن اشیا داشت و دموورگان و همکارانش هم که با کاربرد خشت و گل در معماری اسلامی ناآشنا بودند آثار معماری زیادی را از بین بردند. دموورگان در این زمینه می‌نویسد:

لوور کرد. با پیرتل کاز در سال ۱۹۰۲ در لایه‌های زیرین
 اکرویل گلی نشسته‌های پیش - ابلما به دست آمد و در سالهای
 ۱۹۰۷-۱۹۰۶ گورستان مشهور شوش ۱ بر روی خاک بکر
 آشکار شد. این گورستان معتبر انگیز حاوی هشتصد تا هزار
 قبر بود و ظروف سفالیی که در آن به دست آمده سالیهاست که
 توجه باستان‌شناسان، موزخان هنر و علاقه‌مندان به هنر باستان
 را به خود جلب کرده است.^{۴۲} دوسورگان بر بالای این
 گورستان به توده‌ای از خشت خام برخورد و آن را که امروزه
 «پشته تدفین» (Massif funeraire) خوانده می‌شود، با روی
 شهر با پایه یک معبر سراسیب شناخت. وی در شمال این پشته
 نیز به توده عظیمی از خشت خام برخورد، اما کاربرد آن را
 درک نکرد، تا اینکه در کاوشهای اخیر در اکرویل شوش

۱۰- شایلی زبان‌شناس هیأت فرانسوی



ایران اجازه دارند که تجسس نمایند مگر در اراضی خاصه و مساجد و
 قبرستانهای مسلمانان و مکانهای مقدسه و اعتراف و خوش سئوگی با
 اهل مملکت نمایند که عیش برخلاف رفتار و قانون باشد نتوانند

**فصل دوم - دولت فرانسه متعدد است که هرگاه اسباب طلا و
 نقره کشف شود به وزن آن باید پول طلا و نقره تحویل خزانه دولتی
 ایران بشاید و تمام باقی انبساط به دو قسمت مابین این دو مملکت
 تقسیم شود مگر آنهايي که در حوالی شوش پیدا شده است بمابین
 خسارت تنق به دولت فرانسه دارد**

**فصل سوم - اسبابهای طلا و نقره که کشف می‌شود باید سه
 واسطه یک نفر تا مأمورین فرانسه و به اطلاع حاکم آن تاجیه و محل
 کشف شده و بعد از معلوم کردن وزن قسمت آن را باید سفارت
 فرانسه به دولت ایران ببرد**

**فصل چهارم - مأمور فرانسه اجازه عکس برداشتن و نقشه
 کشیدن و قلاب برداشتن تمام مجسمه‌ها خواهد مستثنی. خواهد خطوطی
 که متعلق به بنای مذهبی مسلمانان نداشته باشد. حق دارد برآورد**

**فصل پنجم - دولت علیه ایران متعهد است که به اهالی بند از
 علمای فرانسه احترام نماید و حفظ نفوس و اموال آنها را داشته باشد
 و منزل و مسکن و حمل و نقل اسباب و سهولت داشتن گورها و
 مسافرت آنها را در بلاد آن دولت فراهم نماید**

**فصل ششم - هرگاه دولت فرانسه بخواهد بنای کشف کردن را
 بگذارد باید اطلاع به دولت ایران بدهد که در آن نقطه زمین دولت
 یک نفر را مأمور عیش و هوشیاری را تعیین نماید که مستحق آن
 مأمورین محترم باشد و حفظ جان و مال آنها را بشاید و اسباب کار
 آنها را فراهم آورد و منتقل باشد که قرار دولت حفظ نشود**

**فصل هفتم - علمای محترم دولت فرانسه حق دارند که هر قسم
 انبار و خانه که لازم باشد بنا کنند چه برای مسکن خودشان و چه برای
 مستحقین یا جای اسبابهای عتیقه خودشان باشد**

**فصل هشتم - هر قسم بار که به آنها برسد و بازر آنها خارج شود
 در خود مملکت کسی حق همگرم و یازدید آنها را ندارد و فساد در
 هرگاهخانه سرحد مملکت است که حق بازدید دارند**

**فصل نهم - دولت فرانسه تمام مخارج مأمورین خود را تحویل
 می‌کند مگر مخارج لازم را برای محافظت داشتن مأمورین محترم
 خود را که آن با دولت علیه است**

**فصل دهم - تمام قراردادهای سابق که در این قراردادنامه جدید
 ذکر گردیده به کنی باطل است و صلاحدید مملکت طرفین است**

**فصل یازدهم - دولت علیه ایران متعهد است که به تمام حکام
 ممتاز خود اعلان نماید که آنچه در این قراردادنامه جدید نوشته است
 است باید شناسا و مجری گردد**

دوسورگان با در دست داشتن این قرارداد بیکه جنبه به
 کار خود سرعت بخشید و تا سال ۱۹۰۸ که حضوراً سرپرستی
 هیئت فرانسوی را بر عهده داشت بخش عمده‌ای از تزیین اکرویل
 را به روش پیش‌گفته حفاری و آثار فراوانی را روانه سوزن



۱۱ - جزئیات نقش برجسته قانون نامه حموراسی

لطمی دومورگان به سرپرستی هیئت منصوب شد.^{۴۴}

وی نیز با روشی کمابیش مشابه دومورگان حفاری می‌کرد و پس از عهده‌دار شدن سرپرستی هیئت، حفاریات را از تپه اکروپل به دیگر قسمت‌های محوطه باستانی شوش از جمله حیاط کاخ داربوش و شرق تپه آپادانا و سپس شهر شاهی، زندان و شهر صنعتگران (Ville des Artisans) گسترش داد. وی نیز با معماری خشتی متداول در شوش ناآشنا بود و از سنت ایلامیایی بر تدفین اموات در زیر کف اتاقها اطلاعی نداشت و لذا با مشاهده قبور فراوان در گوشه و کنار شهر به این نتیجه نادرست رسید که بخش عمده‌ای از شوش، بسجز اکروپل و آپادانا، گورستانی وسیع بوده است.^{۴۵}

مشخص گردید که این توده بخشی از یک محفظه بزرگ است که به هنگام بنیاد نهاده شدن شوش احداث شده و به احتمال زیاد کاربرد آیینی داشته است.^{۴۴}

با رسیدن حفاری اکروپل به خاک بکر، دومورگان که خود را در شناخت و خاستگاه تمدن، ناکام یافته بود سرخورده و خست از اقدامات طولانی در مشرق زمین در سال ۱۹۰۷ به فرانسه بازگشت و در سال ۱۹۱۲ رسماً از هیئت علمی فرانسه در ایران کناره‌گیری کرد و مسئولیت این هیئت به ژانسد دومنکم رسید.

دومنکم (۱۸۷۷ تا ۱۹۵۷) از خانواده‌ای اشرافی و همچون دومورگان مهندس معدن بود و از سال ۱۹۰۳ با هیئت فرانسوی همکاری می‌کرد. طی مدتهایی که دومورگان در سفر بود اداره هیئت را دومنکم بر عهده داشت و پس از کناره‌گیری

دومنکم از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۲ در اکروپل و آپادانا حفاری کرد. در سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۳ علاوه بر اکروپل و آپادانا

پس از پایان جنگ، در سال ۱۹۲۰ دومکت و همکارانش به شوش بازگشتند و تا سال ۱۹۳۹ در قسمت‌های مختلف شوش و محوطه‌های باستانی دیگر مشغول به حفاری بودند. اما در سال ۱۹۲۴ (مطابق ۱۳۰۳ شمسی) تحولی در وضعیت کاری هیئت فرانسوی در ایران پیش آمد. در این سال رضاشاه که در آن زمان رئیس الوزرا بود برای رفع خائنه شیخ خزال به خوزستان رفته بود ضمن بازدید از شوش متوجه قلعه فرانسویها شد و با اطلاع از وضعیت حفاریات آنان در خوزستان متأثر گردیده خواهان دیدار با مسئول هیئت (دومکت) شد پس از بررسی بیشتر و مسارت گروهی از مین دوستان، سرانجام در ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ (۱۹۲۷ میلادی) مجلس شورای ملی وقت امتیازنامه‌های ۱۸۹۵ و ۱۹۰۰ را لغو کرد. ۴۷ بالغو آن قراردادها یک جابه‌نیمی از اشیای مکتوفه از شوش به ایران تعلق گرفت و اینها همان اشیایی هستند که مجموعه ابلامی موزه ملی ایران و موزه شوش را تشکیل داده‌اند. از سوی دیگر قرار بر این شد که فرانسویها کار خود را به شوش و محوطه‌های اطراف آن محدود کنند و یک نفر ناظر از طرف دولت ایران در سر حفاریات حاضر باشد. نخستین بازرسی یکی از فرهنگیان ۱۳ - حفاریات ژمن گیرشمن در شهر چهاردهم در شمال شهر شاهی شوش فصل حفاری ۶۶ - ۱۹۶۵ میلادی.



۱۲- گیرشمن، باستان‌شناس فرانسوی

در شهر شامی و شهر صنعتگران نیز گمانه‌زنی کرد. در سال ۱۹۱۴ به دنبال آغاز جنگ جهانی اول دومکت به نیروهای ژرمنی جهت وردن پیوست شوش به تصرف نیروهای انگلیسی درآمد و گروهی از سواره نظام بنگال در قلعه فرانسویها مشغول شدند. ۴۹



درباره نام اصلی صباح بود که در سالهای ۳۱-۱۹۳۰ به هیئت فرانسوی همکاری می‌کرد. از دیگر بازرسان ایرانی که در دوره دومکنم برکار حفاری نظارت می‌کردند می‌توان به آقابان محمد تقی مصطفوی (۳۲-۱۹۳۱ و ۱۹۳۹)، تقی سپهبدی (۱۹۳۳ و ۱۹۳۵)، محمود راد (۳۴-۱۹۳۳)، حسین بصیری (۱۹۳۶)، محسن مقدم (۱۹۳۷)، مجتبی صینی و حسین روان‌پد (۱۹۳۸) اشاره کرد. ۴۸ از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۹ نیز جمشید اون‌والا، از پارسیان هند که در دانشگاه کمبریج انگلستان و هایدلبرگ آلمان تحصیل کرده و متخصص زبان‌شناسی بود و بعدها از متبحرین شناخت مهرها و سکه‌های ساسانی و سکه‌های اسپهبدان طبرستان شد با هیئت فرانسوی همکاری می‌کرد و با توجه به علایق خود، حفاری در لایه‌های پارثی و ساسانی شهرشاهی، شهر صنعتگران و چند نپه‌کوچک اطراف چون بولچه را اداره می‌کرد.

اگرچه سابقه بررسی و حفاری فراسویان در تپه‌های پیش از تاریخی خوزستان به زمان دومورگان باز می‌گردد و دومکنم نیز در سال ۱۹۲۶ مدت کوتاهی در تپه‌های جعفرآباد و موسیان حفاری کرد اما با پیوستن یک شخصیت مهم به هیئت فرانسوی بود که به مطالعات پیش از تاریخی و تدوین گاهنگاری ادوار مختلف پیش از تاریخ و تاریخی دشت شوش و طبقه‌بندی اصولی آثار و نتایج حفاریات چندین ساله فراسویان بها داده شد: لویی لوسرژن (۱۹۰۹ تا ۱۹۵۷) لیسانس تاریخ و جغرافی از دانشگاه پاریس و فوق لیسانس زبان انگلیسی از دانشگاه کمبریج انگلستان که مدتی را به تحصیل باستان‌شناسی و تاریخ هنر در موزه لوردر پرداخته بود به دنبال چند فصل گمانه زنی در سالهای ۳۵-۱۹۳۳ در تپه‌های پیش از تاریخی جعفرآباد، جوی، یوملان و بلندیان در نزدیکی شوش به مطالعه آثار به دست آمده از حفاریات پیشین که در موزه لوردر نگهداری می‌شدند مشغول شد و با تلفیق نتایج تحقیقات خود موفق گردید که برای نخستین بار آثار به دست آمده از دشت شوش را به شیوه‌ای علمی طبقه‌بندی کند. ۴۹

در سال ۱۹۳۵ یک خلیبان نیوزلندی به نام براون که در جستجوی نفت بود در حدود ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی

شوش در کنار رود دز یک تپه عظیم را مشاهده کرد که به وسیله دو دیوار احاطه شده بود. دومکنم و همکارانش با اطلاع از این امر از محل دیدن کردند و با بررسی مقدماتی محوطه و فرات کتیبه روی آجرهای به دست آمده مشخص گردید که این محل زیگورات شهری است که به دست اوتش نیریشاه ایلامی بنا شده است. ۵۰ از آن پس تا پایان مدت سرپرستی دومکنم، هیئت فرانسوی حفاریاتی را نیز در این محوطه به عمل می‌آورد، اما کاوشهای اساسی و پیگیر در آن تا سال ۱۹۵۰ آغاز نشد.

با آغاز جنگ جهانی دوم بار دیگر فعالیت‌های باستان‌شناسی در شوش متوقف شد. با پایان جنگ نیز چند سالی کارها متوقف بود تا اینکه در سال ۱۹۴۶ دومکنم از سرپرستی هیئت فرانسوی کناره گرفت و مسئولیت آن به یکی از برجسته‌ترین ایران‌شناسان محول شد:

ژمن گبرشمن (۱۸۹۵ تا ۱۹۷۹) در خارکف اُکراین متولد شده، اما با آغاز جنگ جهانی اول و آشوب در روسیه به استانبول و سپس فلسطین رفت. مشاهده آثار باستانی فلسطین بود که علاقه به باستان‌شناسی را در او بیدار کرد. پس از عزیمت به فرانسه در دانشگاه سوربن و مدرسه لوردر به تحصیل باستان‌شناسی مشرق زمین و باستان‌شناسی کلاسیک نزد استادانی چون کنتو، شیل، ویرولو و پیکار پرداخت و در حین تحصیل در سالهای ۳۱-۱۹۳۰ به همراه هاتری دوژنویاک در حفاریات تلوح در عراق شرکت کرد. همچنین در سالهای

۱۲ - استو. زبان شناس هیئت فرانسوی.



فعلیه‌های گیرش را از زمانی که به سرپرستی هیت
فرانسوی رسیده به صورت زیر می‌نویس خلاصه کرد: ۵۱

فصل اول (۱۹۲۶/۱۲/۴ تا ۱۹۲۷/۴/۲۳):

شوش (شهرشاهی، آبادانا)

فصل دوم (۱۹۲۷/۱۱/۲۹ تا ۱۹۲۸/۴/۱۵):

شوش (شهرشاهی، آبادانا، شهر صنعتگران)

فصل سوم (۱۹۲۸/۱۱/۱۹ تا ۱۹۲۹/۲/۲۲):

شوش (شهرشاهی، آبادانا، شهر صنعتگران)

فصل چهارم (۱۹۲۹/۱۱/۱۷ تا ۱۹۳۰/۲/۲۷):

شوش (شهرشاهی، آبادانا، شهر صنعتگران)

فصل پنجم (۱۹۳۰/۱۰/۲۹ تا ۱۹۳۰/۴/۲۰):

شوش (شهرشاهی، شهر صنعتگران)، ایوان کرخه

فصل ششم (۱۹۳۰/۱۱/۵ تا ۱۹۳۰/۱۲/۱۱):

شوش (شهرشاهی، شهر صنعتگران)، چغازنبیل

فصل هفتم (۱۹۳۱/۱۰/۳۱ تا ۱۹۳۱/۱۲/۲۵):

شوش (شهرشاهی، چغازنبیل)

فصل هشتم (۱۹۳۲/۴/۲۶ تا ۱۹۳۲/۱۱/۴):

شوش (شهرشاهی، اکروپل)، چغازنبیل

در این فصل رابرت هنری دابلسن موفق به

کاشف در اکروپل شد و نتایج این کاوشها بعدها

اساس رساله دکتری او را تشکیل داد. ۵۲

فصل نهم (۱۹۳۲/۱۱/۱۳ تا ۱۹۳۳/۴/۲۳):

شوش (شهرشاهی)، چغازنبیل

فصل دهم (۱۹۳۳/۱۰/۲۹ تا ۱۹۳۳/۴/۱۲):

۱۶ - زنان پرو واپسین سرپرست هیت فرانسوی در شوش.



۱۵ - فرانسوا والا در حال استخاک کتیبه مجسمه داریوش،
۱۳۵۳ غورشیدی، آبادانای شوش.

۱۹۳۳-۳۴ و ۱۹۳۷ نیز خود در تپه سیلنگ کاشان کاوش
نمود. در سالهای ۱۹۳۵-۳۶ و ۱۹۳۸-۳۹ نیز به درخواست

زرزاسل، مسئول بخش هنر آسیایی موزه لوور، مشغول به
حفاری در بیشاپور بود. در عین حال در پاییز ۱۹۳۶ یک

فصل در تپه سرخ داغ در نزدیکی نادهلی در سیستان افغانستان
کاوش کرد و به آثار هزاره اول ق م برخورد.

گیرشمن با آغاز جنگ جهانی دوم به زسراول دوگنل
بیرست و در سالهای ۴۳-۴۴ در بگرام پایتخت کوشانیان

در شمال کابل و در سال ۱۹۴۳ در گوردستان هیاطله در
سلط آباد حفاری کرد. با پایان این حفاریات کابل را ترک کرد تا

به مؤسسه فرانسوی باستان‌شناسی شرقی، در قاهره بپیوندد.
وی تا پایان جنگ در آنجا اقامت داشت و مشغول تهیه و تنظیم

گزارش حفاریات خود بود و در حقیقت با استفاده از نتایج این
حفاریات بود که در سال ۱۹۴۷ با نگارش دو رساله تحت

عناوین «بگرام و کوشانیان» و «هیاطله و کشف رمر خط
نخاری» موفق به دریافت درجه دکتری گردید.

در سال ۱۹۴۹ با کناره گیری دوگنم، گیرشمن به
سرپرستی هییت باستان‌شناسی فرانسوی در شوش رسیده و تا

سال ۱۹۶۷ که بازنشسته شد (و حتی پس از آن) در شوش و
چند محوطه باستانی دیگر حفاری کرد.





۱۷ - جهه غربی تپه آپادانای شوش. ۱۳۶۲ خورشیدی، کاوشهای ابرانی.

فصل هفدهم (۱۹۶۳/۳/۱۷ تا ۱۹۶۲/۱۱/۱۰)

شوش (شهر شاهی، آپادانا)

فصل هژدهم (۱۹۶۳/۱۱/۱۹ تا ۱۹۶۲/۲/۵)

شوش (شهر شاهی، آپادانا، اکروپل)، برداشته

در این فصل ژان پرو اکروپل شوش را برای

کاوشهای آتی بررسی کرد و چند گمانه کوچک

زد.

فصل نوزدهم (۱۹۶۴/۱۱/۲۴ تا ۱۹۶۵/۲/۱۰)

شوش (شهر شاهی، آپادانا، اکروپل)، برداشته

در این فصل و دو فصل آتی سازی ژوزف استو

هرمان گش در اکروپل شوش گمانه زنی کردند.

فصل بیستم (۱۹۶۶/۲/۱۴ تا ۱۹۶۵/۱۱/۲۴)

شوش (شهر شاهی، آپادانا، اکروپل)، برداشته

فصل بیست و یکم (۱۹۶۶/۱۱/۲۵ تا

۱۹۶۷/۲/۱۰)

شوش (شهر شاهی، آپادانا، اکروپل)، مسجد

سلیمان

در این سال گبر شمن بازنشته شد اما تا سال ۱۹۷۲ پنج

شوش (شهر شاهی، آپادانا)، چغازنبیل

فصل یازدهم (۱۹۵۶/۱۱/۸ تا ۱۹۵۷/۳/۱۷)

شوش (آپادانا)، چغازنبیل

فصل دوازدهم (۱۹۵۷/۱۱/۱۹ تا ۱۹۵۸/۳/۱۵)

شوش (شهر شاهی، آپادانا)

فصل سیزدهم (۱۹۵۸/۱۰/۳۱ تا ۱۹۵۹/۲/۲۹)

چغازنبیل، جزیره خارک، ایله

فعالتهای فرانسویان در ایله منحصر به استناخ

کبیه‌ها و نقش برجسته‌های آن منطقه به وسیله

ماری ژوزف استو بود.

فصل چهاردهم (۱۹۵۹/۱۲/۲۲ تا ۱۹۶۰/۲/۵)

شوش (شهر شاهی، آپادانا)، جزیره خارک

فصل پانزدهم (۱۹۶۰/۱۱/۵ تا ۱۹۶۱/۳/۳)

چغازنبیل

فصل شانزدهم (۱۹۶۱/۱۱/۲۷ تا ۱۹۶۲/۳/۳۰)

چغازنبیل، بیشاپور

در این سال فعالتهای فرانسویان در بیشاپور

منحصر به نقش برداری و ثبت آثار معماری بود.

مات فعالیتهای گیش در شوش آقایان فریدون نوبی،
جواد کاسیر، هوشنگ بهرامی، اسماعیل قیسی، عبدالحمین
شهزاد، سید جعفر رحمتی و محمود کردوسی نمایندگی
انجمن باستان‌شناسی بودند.

گیشمن از پیروان مکتب توصیفی - تاریخی
باستان‌شناسی و در لباس با پیشینیان خود از نظر روشهای
حاری و اهداف باستان‌شناسی بسیار پیشروتر بود. وی از سال
۱۹۴۶ حفاری در محوطه‌ای به وسعت تقریبی یک هکتار را
در شهر شاهی الف در قسمت شمالی شهر شاهی در مقابل کاخ
هخامنشی آغاز کرد. در این حفاری تا کب و بیشتر
خاکبرداری اقی بود تا لایه‌نگاری و سرانجام در سال ۱۹۶۶
در عمق تقریبی ۱۵ متر از سطح تپه شهر شاهی به خاک بکر
رسید و موفق شد که بخش وسیعی از شهر ایلامی را آشکار
سازد. از رهگذر این حفاریات اطلاعات زیادی درباره
شهرسازی و زندگی شهری شوش در هزاره سوم تا پایان
هزاره دوم ق م به دست آمد. ۵۳

به موازات حفاری در شهر شاهی، گیشمن حفاریات
گسترده‌ای را نیز در بخش موسوم به «روستای هخامنشی»
(Village Perse - Achéménide) در شمال غربی شهر
صنعتگران شوش آغاز کرد. وی با توجه به علاقه‌ای که به
موضوع ورود هندواروپاییان به ایران و استقرار آنها در این
سرزمین داشت آثار به دست آمده از روستای هخامنشی
شوش را نشان‌دهنده هخامنشیانی دانست که به نازگی به شوش
رسیده و در آن منشر شده‌اند. ۵۴ اما امروزه می‌دانیم که
قدمت قدیمیترین لایه این روستا به مرحله دوم دوره ایلام نو
(حدود ۷۲۵ تا ۵۲۰ ق م) می‌رسد. ۵۵ و ربطی به هخامنشیان
ندارد. ۵۶

از مهمترین خدمات گیشمن به باستان‌شناسی ایران
کاوشهای پیگیر او در محوطه باستانی چغازنبیل بود که به
صورت مقدماتی از زمان دوم مکتب آغاز شده بود. کاوشهای
گیشمن در چغازنبیل که از ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۲ ادامه داشت
علاوه بر زیگورات، سازه‌های متعدد دیگری نیز آشکار شد
که به اطلاعات ما درباره دوره تاریک ایلام میانی افزوده

پس از بازنشنگی گیشمن در سال ۱۹۶۷ چند ماهه
ماری ژوزف استو (متولد ۱۹۱۱) سرپرستی هیئت دایر عهده
داشت. وی از سال ۱۹۵۴ به جای ژرژ کنتو به عنوان
زبان‌شناس با هیئت فرانسوی کار می‌کرد و علاوه بر ترجمه و
انتشار کتیبه‌های به دست آمده از شوش و نسخه‌برداری از
شوش بوجنت ایله، خود نیز به همراه هرمان گنش کاوشهای
مهمی را در اکروپل شوش به عمل آورده بود. اما بی‌تردید
مهمترین دستاورد وی در طی مدت همکاری با هیئت
فرانسوی ترجمه و انتشار کتیبه‌های مکتوبه از چغازنبیل
بود. ۵۷

در سال ۱۹۶۸ ژان پرو به سرپرستی هیئت فرانسوی
منصب شد و مطالعات باستان‌شناختی در شوش وارد مرحله
نویسی شد.

ژان پرو (متولد ۱۹۲۰) از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ در
مدرسه لورده تحصیل باستان‌شناسی خاور نزدیک مشغول
بود و طی مدت تحصیل موفق شد در حفاریات تمل فرح در
قلعین شرکت کند. وی در سال ۱۹۴۶ به «مرکز ملی
یژوشیاتی طی فرانسه» (CNRS) ملحق شد و در سال
۱۹۵۱ به مؤسسه دیمون باستان‌شناسی فرانسه، به تحصیل
مدرک خود پس از این دوره آموزشی تا چند سال در
سویس و برزیل تعدادی در لوآنت شرکت کرد و پروژه
کارشناسی دقیق وی در محوطه فرابارینه سنگی عین سلح
راحت و تزیینات برخوردار است. همین تحقیقات بود که
اهمیت مطالعات دایرین‌شناسی در شناخت تحولات و
پیشرفت‌های فرهنگ بشری را برای پرو آشکار کرد و تجارب
مطلوبه‌ای او در زمینه کاوشهای دقیق در اختیار او نهاد.

پرو در سال ۱۹۵۹ به دعوت وارنت بریدوود برای
بحث و تبادل نظر در زمینه تحقیقات پیش از تاریخی به
مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو رفت و در همان سال به
مسئولیت آن مؤسسه در برزیل و کاوشهای منطقه زاگرس
مرکزی شرکت کرد و ضمن بازدید از تپه‌های باستانی این
منطقه موفق شد برای نخستین بار شوش را از نزدیک ببیند و به
امکانات بالقوه آن در شناخت پیشرفت‌های فرهنگی بشر پس

برد. پرو در سال ۱۹۶۳ به دعوت کیرشمن به شوش آمد و مدت کوتاهی را صرف گمانه‌زنی آزمایشی در اکروپل کرد. وی در سال ۱۹۶۸ پس از بازنگری گیرشمن به سرپرستی هیئت فرانسوی منصوب شد و بنابر پیشینه مطالعاتی و تجارب کاری خود برنامه نویسی را ریخت و با همکاری نزدیک با مرکز باستان‌شناسی ایران و متخصصین شاخه‌های مختلف که پروژه بین‌المللی را برای کسب اطلاعات از انلای باستانی شوش آغاز کرد.

اینچنین بود که از سال ۱۹۶۸ ژنوبه ذوقوس کار در پهنه‌های جعفرآباد، جوی و بندبال را آغاز کرد تا وضعیت دشت شوش را در دوران پیش از تاریخ تا آغاز دوره شوش ۱ روشن سازد. از همان سال آلن لویرن در کارگاه موسوم به اکروپل ۱ شاخص خاکبرداری را که از زمان دومورگان و دومکس باقی مانده بود به دقت مطالعه کرد تا به لایه‌نگاری شوش از حدود ۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ق م دست یابد. پرو و ذنی کاتان نیز در کارگاه اکروپل ۲ مصطفی بلنده را که در دل تپه اکروپل قرار داشت مورد مطالعه قرار دادند و به اطلاعاتی دوباره ساختار و قدمت آن دست یافتند. از سوی دیگر الیزابت کارتر از دانشگاه لس آنجلس کار در کارگاه شهر شاهی ۱ را آغاز کرد تا وضعیت فاصله هزار ساله بین تحقیقات لویرن (۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ق م) در اکروپل و تحقیقات پیشین گیرشمن (حدود ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰ ق م) در شهر شاهی را روشن کند. پی‌ر دو میر و روجی نیز مطالعات خود را بر لایه‌های پایانی هزاره دوم تا اواسط هزاره اول ق م در کارگاه شهر شاهی ۲ متمرکز کرد تا به اطلاعاتی درباره این دوره مبهم در تاریخ ابلاد دست یابد.

در عین حال پرو به همراه دانیل لادیری در سال ۱۹۶۹ کار در کاخ هخامنشی آپادانا را آغاز کرد و با پیگیری این حفاریات علاوه بر اطلاعات فراوان، در سال ۱۹۷۰ کتیبه‌های بنیاد کاخ و در سال ۱۹۷۲ مجسمه داریوش بزرگ به دست آمد.

از سال ۱۹۷۰ نیز آدرن لایروس و رمی بوشارلا با همکاری محمود کردوانی حفاری در کاخ شائور و مونیگ کروران کار در لایه‌های اسلامی شهر صنعتگران شوش را

آغاز کردند. آلبرت هس نیز به سررسبهای ژئوفیزیکی به اطلاعات سهمی درباره زمین‌آثار باستانی شوش و محوطه‌های باستانی نزدیک به آن بویژه فونداسیونهای کاخ هخامنشی آپادانا دست یافت. طی این سالها فرانسوا و لاله که به عنوان زبان شناس با هیئت همکاری می‌کرد، خدمات شایانی به شناخت ما از زبان و تاریخ ابلاد کرد^{۵۸} و همکاری غیرمستقیم بی‌بر آمیه، جمع‌دار آثار باستانی شرقی موزه لوور، با هیئت در شرح، طبقه‌بندی و تاریخگذاری آثار هنری بویژه مهرها و اثر مهرهای به دست آمده از شوش و دیگر محوطه‌های باستانی اطلاعات زیادی را در این مقوله‌ها در اختیار ما نهاده است. ۵۹ علاوه بر این گروه، هنری رایت از دانشگاه میشیگان نیز مدتی مستقلاً در اکروپل شوش گمانه‌زنی کرد^{۶۰} و میرعابدین کابلی از مرکز باستان‌شناسی ایران در سال ۱۳۵۴ بنای هدش در شرق تپه آپادانا را حفاری کرد. طی دوره سرپرستی ژان پرو که تا سال ۱۹۷۹ ادامه داشت، آقایان عبدالحسین شهیدزاده، ذبیح‌الله رحمتیان، محمود کردانی، موسی درویش روحانی، مهدی زهرا میرعابدین کابلی، حمید خطیب شهیدی و مسعود آذرنوش به تعاملیگی از طرف مرکز باستان‌شناسی ایران با باستان‌شناسان خارجی همکاری می‌کردند.

از دیگر اقدامات پرو راه‌اندازی نشریه سالانه هیئت باستان‌شناسی فرانسه در ایران در سال ۱۹۷۱ بود که تا به حال ۱۵ شماره آن منتشر شده (به پانوش ۳۷ نگاه کنید)، اما چند سالی است که انتشار آن به علت توقف تحقیقات میدانی در شوش را که مانده است. پرو موفق شد طی مدت سرپرستی خود و پس از آن دو کفرانس بین‌المللی درباره باستان‌شناسی ایران بویژه دشت خوزستان ترتیب دهد که اولی در سال ۱۹۷۷ در شوش^{۶۱} و دومی در سال ۱۹۸۵ در بلوو در فرانسه^{۶۲} برگزار شد. در ضمن او از نخستین کسانی بود که با مقصود پنجمین کنگره باستان‌شناسی و هنر ایران صیتی بر عدم انتقال اشیای حاصل از حفاری به خارج از ایران موافقت کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که توقف فعالیت‌های میدانی تمامی هیئتهای باستان‌شناسی خارجی را به دنبال

شوش متوقف شده است، اما با گشایشهای اخیر و برگذاری
 گردهم آیی شوش در فروردین ماه گذشته امید می رود که
 پژوهشهای هدفمند بار دیگر در این محوطه باستانی بسیار مهم
 از سر گرفته شود.

مطشاً شوش هنوز رازهای بسیاری دارد که بر ما
 آشکار سازد و این امر ممکن نیست مگر با همت و تلاش
 باستان شناسان.



۱۸ - میر عابدین کالی، سرپرست گروه
 کاوشهای باستان شناسی شوش

داشت، هیئت فرانسوی نیز ایران را ترک کرد و کار در شوش
 تعطیل شد.

در سال ۱۳۶۱ به دنبال برنامه ریزی شهرداری شوش
 برای تعریض میدان و محوطه سازی جبهه شمال غربی تپه
 آپادانا این بخش از محوطه شوش در خطر افتاد و لذا پیش از
 سرپرستی میر عابدین کالی و همکاری عنقیل عابدی، علی
 ولی نوری و احمد صالح آزاد از طرف مرکز باستان شناسی
 ایران مسئول گمانه زنی در آن قسمت شدند.

این هیئت از اسفند ۱۳۶۱ تا نیمه اردیبهشت ۱۳۶۲ در
 پای دیوار غربی مصطفی عظیمی که کاخ آپادانا بر روی آن
 شده حفاری کرد تا وضعیت این جبهه مصطفی را روشن سازد
 با حفاری در سه کارگاه علاوه بر آثاری از دوره اسلامی و
 گورستانی از دوره اشکانی ریشه دیوار هخامنشی نیز آشکار
 شد و مشخص گردید که این دیوار قطور بر روی چندین
 آجر فیراندود بنا شده است، و نظریه فرورفتگی دیوار
 بخش میانی تأیید شد زیرا حفاری هیئت در کارگاه ۲ نشان داد
 که بخشی از دیوار حدوداً ۳ متر عقب نرفته است. در این
 فرورفتگی بزرگ علاوه بر آثار پراکنده ننگهای به اندازه کف
 دست از یک کتیبه سنگی به خط پارسی باستان به دست
 آمد. ۶۴ متأسفانه به علت ادامه نیافتن حفاریات وضعیت و
 کاربرد دقیق این فرورفتگی و دلیل کشف کتیبه پیش از
 آنجا مشخص نگردیده است.

از آن هنگام تا به حال تحقیقات باستان شناسی در

پی نوشتها:

۱. صادق شهبازی، بررسی تحولات مطالعات باستان شناسی در
 ایران، مجموعه مقالات جشنواره بررسی ساقای ایران شناسی (به
 کوشش هنرمند موسیقی گرمارودی)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و
 بین المللی (واست) به وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، ص ۳۸۳.
2. R. H. Dyson, Jr., "Early Work on the Acropolis
 at Susa: The Beginning of Prehistory in Iraq and
 Iran", *Expedition*, Vol. 10, no. 4, Summer 1968,
 P. 21.
3. S. Lloyd, *Foundations in the Dust*, London,
 1980, pp. 131-2.
4. W.K. Loftus, *Travels and Research in Chaldeea
 and Susiana*, London, 1857 (reprinted 1977),
 p. 287.
5. *Ibid*, 314-16.
6. *Ibid*, 331-2.
7. *Ibid*, 333-4.
8. *Ibid*, 352.
9. *Ibid*, 353-4.
10. *Ibid*, 356.
11. *Ibid*, 396.
12. J. Curtis, "William Kennett Loftus and his
 Excavations at Susa", *Iranica Antiqua*, vol.
 XXVII (1993), p. 10.
13. *Ibid*, 110
14. Loftus, *Op. cit*, 378-9.
15. *Ibid*, 343-4, Curtis, *Op. cit*, 13.
16. *Ibid*, 15.

۲۱. ملک شهسپرزادی، همان مقاله (ش ۱)، ص ۲۲۷، پانویست ۵ درباره زندگی این زن جسور رکن.

Eve et Jean Gran-Aymeric, *Jane Dieulafoy-une vie d'homme*, Paris, 1991.

۲۲. زان دیولاfoy، ایران، کلد و شوش، ترجمه علی محمد فرودوش، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، صص. ۶۸۹ و ۷۰۱.

۲۳. زان دیولاfoy، خاطرات کاوشهای باستانی شوش، ترجمه امیر فرودوش، چاپ دوم، تهران انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۲.

۲۴. همان کتاب، صص ۲ و ۳.

۲۵. همان کتاب، ص ۸۴.

۲۶. همان کتاب، ص ۱۱۸.

۲۷. همان کتاب، صص ۱۶۰ تا ۱۷۱.

۲۸. همان کتاب، صص ۲۲۹ تا ۲۸۱.

۲۹. گویا این آجرهای لعابدار به کمک کارخانه سیر (SÉVRES) فرانسه

ساخت شده و سپس در لوزد به نمایش درآمد رکن.

J. Perrot, "Un Siecle de Fouilles a Susé", *Dossiers Historier et Archeological*, No. 138, Mai 1989, p. 13.

۳۰. علاوه بر مشکلات توأم با حفاری فرانسویان در شوش که زان دیولاfoy هم در کتاب خود بارها به آن اشاره کرده گویا این توجهی مارسل به فوک و قرار و انتقال تعامی یافته‌ها به پاریس نیز در جواب رد دولت ایران تأثیر داشته است. زیرا دربار قاجار بزودی متوجه ارزش واقعی اشیاء مکشوفه گردید و اعتراض بلندبالایی به دولت فرانسه نوشت و دولت فرانسه از شاه ایران دعوت نمود که از نمایشگاه مخصوص سال ۱۸۸۹ میلادی در پاریس بازدید کند و ناصرالدین شاه این دعوت را پذیرفت و از اعتراض خود صرف نظر کرد، (غلامرضا معصومی) باستانشناسی ایران از ۷ تا ۲۶ ۲۵۳۵ شاهنشاهی، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۹.

31. N.Chevalier, "The French Scientific Delegation in Persia", in *The Royal City of Susa* (edited by P.O.Harper, J.Aruz & F.Tallon), New York, The Metropolitan Meuseum of Art, 1992, p. 16.

۳۲. گزارش این قرارداد و قرارداد بعدی بدون ذکر مآخذ در کتاب غلامرضا معصومی تحت عنوان باستانشناسی ایران از ۷ تا ۲۶ ۲۵۳۵ شاهنشاهی (تهران، ۱۳۵۵، صص ۵ و ۷) درج شده است. متن این دو

فراردها در مقاله حاضر در دسترس نیست.

(رکن پانویست ۱) صص ۳۹۸-۳۹۹ عیناً رونویسی شده است.

33. J.deMorgan, *Recherches sur les de l'Égypt*,

Paris, 1896-6.

۳۴. علی موسوی، ذاک دومورگان و حفاری در شوش، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال ششم، شماره‌های اول و دوم، آبان ۱۳۷۱، ص ۱۲.

35. Chevalier, *Op.cit* (no.31), 18.

شیل در اصل یک کنییش بود و علاوه به باستان شناسی و زبان شناسی او را به همکاری با هیئت فرانسوی کشاند. فراواقع مهمترین دستاورد علمی هیئت فرانسوی در دوره دومورگان و دومکنم مرهون فعالیتهای شیل بود که با ترجمه و انتشار کتبه‌های مختلف و فراوان به دست آمده از شوش کمک شایانی به شناخت تاریخ ایلام و زبانهای اکدی و ایلامی کرده است. در حقیقت بسیاری از مباحث که امروزه بین مورخان و زبان شناسان مطرح است ریشه در نظریات شیل در همان سالها دارد.

36. T.C.Young, "Archaeology-Pre-Median", *Encyclopedica Iranica*, vol.II, fasc.3, London, 1986, p.285.

۳۷. در اینجا از فرصت استفاده می‌کنیم تا فهرست انتشارات هیئت فرانسوی را ذکر کنیم: نخستین مجلد از خاطرات هیئت باستان شناسی فرانسوی در پارس (ایران)، که به اختصار *MDP* خوانده می‌شد در سال ۱۹۰۰ در پاریس منتشر شد و تا سال ۱۹۱۲ (مجمده سیزدهم) ادامه یافت. در سال ۱۹۱۳ مجلد چهاردهم گزارشها با عنوان خاطرات هیئت باستان شناسی دشت شوش و در سال ۱۹۱۴ مجلد پانزدهم با عنوان هیئت باستان شناسی فرانسوی در پارس (ایران) منتشر شد. پس از وقفه‌ای طی جنگ جهانی اول، از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۳ مجلدهای شانزدهم تا بیست و هشتم گزارشها با عنوان خاطرات هیئت باستان شناسی فرانسوی در پارس (ایران)، هیئت فرانسوی در شوش منتشر شد و در آن سال با تغییر رسمی نام ایران در کشورهای اروپایی، مجموعه گزارشها با عنوان خاطرات هیئت باستان شناسی فرانسوی در ایران، هیئت فرانسوی در دشت شوش به چاپ رسید که تا به حال ۵۴ مجلد آنها منتشر شده است.

در سال ۱۹۷۱ به همت ژان پرو سالتامی تحت عنوان *خبرنامه هیئت باستان شناسی فرانسه در ایران* (به اختصار *Cahiers de la D.A.F.I*) منتشر شد که تا به حال ۱۵ شماره آن به چاپ رسیده است.

۳۸. موسوی، همان مقاله، ص ۱۴.

۳۹. موسوی، همان مقاله، صص ۱۷-۱۶.

40. J.de Morgan, *Histoire et Travaux de la Delegation en Perse du Ministere de l'Instruction Publique*. 1897-1905,

Iranica Antiqua, vol. XXV (1980), pp. 107-116.

52. R.H. Dyson, Jr., *Excavations on the Acropolis at Susa and the Problems of Susa A, B and C*, Ph.D. dissertation, Harvard University, 1966.

Dyson, *Op.cit* (no.2), P. 2. همچنین رگ، ۲۱-رک. ۲۲ و مسلک شهسپرزادی، همان مقاله، صص ۲۰۲-۳.

53. R. Ghirshman, "Suse au tournant du III^e au II^e millénaire avant notre ère". *Arts Asiatique*, vol. XVII (1968), pp. 3-44.

۲۲- در مورد این گورستان و آثار به دست آمده از آن به نوشته زیر و کتابنامه آن مراجعه کنید به:

54. R. Ghirshman, *Village Perse-Achémenide*, (MDAI 36), Paris, 1954.

F.Hole, "The Cemetery of Susa: An Interpretation", in *The Royal City of Susa* (edited by P.O. Harper, J. Aruz & F. Tallon). New York, The Metropolitan Museum of Art, 1992, pp. 26-31.

55. P. de Miroschedji, "Fouilles du chantier Ville Royal II à Suse (1975-1977): Les niveaux élamites", *DAFI*, no. 12 (1981), pp. 34-48.

56. D. Stronach, "Achaemenid Village I at Susa and the Persian Migration to Fars", *Iraq*, vol. XXXVI (1974), pp. 239-248.

۲۳- دربارهٔ مصطفی بلند و هیئت تدفین رگ:

57- در مورد استو و فعالیت‌های او رگ:

Fragmenta Historiae Aelamica Mélanges offerts à M.-J. Steve (Reunis par L. De Meyer, H. Gasche et F. Vallat), Paris, 1986, pp. 1-4.

D. Canal, "Travaux à la terrasse haute de l'Acropole de Susa", *Cahiers de la DAFI*, no. 9 (1987), pp. 11-55.

۲۴- در مورد شرح حال دومکت رگ:

58- نتایج هر یک از این تحقیقات به صورت چندین مقاله منتشر شده است که حتی فهرست آنها نیز در این مختصر نمی‌گنجد. اما چنگیزدای از نتایج تحقیقات پرود و همکاران او در مقالات مختلف نشریه زیر آمده است:

Dossiers Histoire et Archeologie, no. 138, Mai 1989, pp. 1ff.

Syria, 35 (1958), pp. 426-8

45. R. de Mecquenem, "Notes sur les modalités funéraires susiennes et leur chronologie", *Revue biblique*, 52 (1943-44), pp. 133-142.

46. Perrot, *Op.cit* (no.29), p. 14.

۲۷- معصومی، همان کتاب (پانوشک ۳۲)، صص ۶۹-۷۰.

همچنین رگ به معرفی این نشریه در مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال چهارم، شمارهٔ اول، شهریور ۱۳۶۹، صص ۶۹-۷۲.

۴۹- در مورد آمیه و کارهای او رگ:

L. Vanden Berghe, "Biographie et Bibliographie de P. Amiet", *Iranica Antiqua*, vol. XXIII (1988), pp. IX-XXI.

۲۸- تمامی این اطلاعات به علاوه برخی نکات درباره حرایات دومکت از مقاله زیر استخراج شده است، مگر مواردی که منبع آن ذکر شود:

R. de Mecquenem, "Les Fouilleurs de Suse", *Iranica Antiqua*, vol. XV (1980), pp. 1-48.

60. H. T. Wright, *Preliminary Excavation of IVth Millennium Levels on the Northern Acropolis of Susa*, Paris, 1978.

49. L. Le Berton, "The Early Periods at Susa. Mesopotamian Relations", *Iraq*, vol. 19 (1957), pp. 79-124.

دربارهٔ لوپوتون رگ: Syria, 35 (1957), pp. 156-7.

61. "Acts de la Rencontre Internationale de Suse (Iran) du 23 au 28 octobre 1977: la séquence archéologique de Suse et du Sud-Ouest de l'Iran antérieurement à la période Achéménide", *Paléorient*, 4 (1978), pp. 131-244.

50. R. de Mecquenem et J. Michalon, *Recherches à Tchogha-Zambil*, (MDAI, vol. XXXIII), Paris, 1953.

۵۱- این فهرست از منبع زیر تلخیص شده است:

62. "Actes du Séminaire CNRS / NSF de Bellevaux

M.-J. Steve, H. Gasche et L. D. Meyer, "La Susiane au deuxième millénaire: À propos d'une interprétation des fouilles de Susa. Annexe 1: Sommaire de l'activité du Prof. R. Ghirshman entre 1946 et 1967 à Suse et en Susiane",

۵۳- از آقای میرعباس کابلی که اطلاعات مستثر نشده‌ای از این

حضریات را برای دوچ در شمال باختر در اختیار نگارنده نهادند
سپاسگزاری می‌شود. از آقای محمود موسوی نیز به خاطر اطلاعاتی
چند، سوپزه دربارہ ناسمهای نمایندگان اداره کل باستان‌شناسی در
حفریات فرانسویها متشکرم.



۱۹- نقشه تپه‌های باستانی شوش.